

مرور زمان دعاوی قربانیان کاربرد سلاح‌های شیمیایی جنگ عراق با ایران

مهین سبحانی*

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۷/۱۴ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۲/۱۵)

چکیده

مرور زمان، مانعی در راه اقامه دعاوی اعم از کیفری و حقوقی است. بسته به اینکه مرور زمان در چه نوع دعاوی مطرح شود، ماهیت و اهداف و آثار و قواعد حاکم بر آن متفاوت خواهد بود. در رابطه با استفاده از سلاح‌های شیمیایی و نقض قواعد حاکم بر ممنوعیت استفاده از آن، مسئله مرور زمان در هردو دسته دعاوی حقوقی و کیفری قابل طرح است. با توجه به گذشت مدت زمان مدیدی از اتمام جنگ ایران و عراق، امکان استناد به مرور زمان در دعاوی مربوط به استفاده از سلاح‌های شیمیایی طی این جنگ در دادگاه‌های ملی و بین‌المللی وجود دارد. با توجه به اینکه مرور زمان یک اصل کلی حقوق است که از نظام‌های داخلی وارد حقوق بین‌الملل شده است، این مقاله ضمن تبیین اصل مرور زمان در نظام‌های حقوقی داخلی و بین‌المللی، به این نتیجه می‌رسد که با توجه به عدم احقاق حقوق قربانیان سلاح‌های شیمیایی جنگ عراق با ایران، هرچند هنوز امکان اقامه دعاوی کیفری برای قربانیان وجود دارد، اقامه دعاوی حقوقی و مطالبه خسارت می‌تواند با مانع مرور زمان برخورد کند.

واژگان کلیدی: مرور زمان، جنایت جنگی، سلاح‌های شیمیایی

مقدمه

دولت عراق در زمان صدام حسین به طور گسترده‌ای از سلاح‌های شیمیایی برای مقابله با مخالفان و در جنگ با ایران استفاده کرد. از حدود سال ۱۳۵۵، رژیم عراق با جمع‌آوری برخی از استادان دانشگاه و صرف بودجه، به جمع‌آوری اطلاعات درباره سلاح‌های شیمیایی - میکروبی و رادیواکتیو پرداخت و در هر سه زمینه، موفقیت‌هایی به دست آورد. عراق پیش از آغاز جنگ با ایران در سال ۱۹۷۴، سابقه استفاده از سلاح‌های شیمیایی علیه کردهای این کشور را در کارنامه خود داشت. توسل عراق به سلاح‌های شیمیایی به طور محدود، از زمان آزادسازی خرمشهر صورت گرفت، اما می‌توان کاربرد گسترده آن را پس از پیروزی‌های بزرگ ایران و شکست نیروهای عراقی به ترتیب در عملیات والفجر ۲، والفجر ۴، خیبر و بدر دانست (نگاهی اجمالی به جنگ شیمیایی عراق علیه ایران).

ممنوعیت استفاده از سلاح‌های شیمیایی طی مخاصمات مسلحانه بین‌المللی برای اولین بار در پروتکل ۱۹۲۵ ژنو مبنی بر منع کاربرد گازهای خفه‌کننده، سمی و گازهای دیگر و استفاده از شیوه‌های میکروبی در جنگ به رسمیت شناخته شد؛ معاهده‌ای که هر دو دولت ایران و عراق قبل از آغاز جنگ تحمیلی به آن پیوسته بودند.^۱

معاهدات حقوق بشر دوستانه نظیر پروتکل ژنو ۱۹۲۵ معاهداتی بین‌الدولی هستند که دولت‌ها را در برابر یکدیگر متعهد می‌نمایند. در نتیجه، حقوق و تکالیف مندرج در این دست از معاهدات در وهله اول متوجه دولت‌های طرف معاهده است (قربان‌نیا، ۱۳۹۰: ۳۱۵). بنابراین اگر یکی از دول عضو معاهده در برابر دولت دیگر عضو از رعایت تعهدات مندرج سرباز زند، مرتکب تخلف بین‌المللی شده است و دولت زیان‌دیده می‌تواند علیه دولت متخلف اقامه دعوی مسئولیت بین‌المللی در مراجع بین‌المللی مانند دیوان بین‌المللی دادگستری کند. بر این اساس، دولت ایران می‌تواند علیه دولت عراق اقامه دعوی مسئولیت بین‌المللی کند و با اثبات ارکان مسئولیت، خواهان جبران خسارات وارده بر این کشور بشود که بخش عمده‌ای از آن، مربوط به نظامیان و غیرنظامیان این کشور است.

۱. دولت ایران در ۵ نوامبر ۱۹۲۹ بدون هیچ‌گونه حق شرطی این پروتکل را پذیرفت و دولت عراق با اعمال دو حق شرط در ۸ سپتامبر ۱۹۳۱ عضو این پروتکل شد. به موجب دو شرطی که دولت عراق نسبت به این پروتکل قایل شده بود، تعهدات این پروتکل را تنها در رابطه با دولت‌های عضو رعایت می‌کند (شرط تقابل) و به موجب شرط دوم، خود را در برابر دولت (عضوی) که به مفاد این پروتکل متعهد نیست، متعهد نمی‌داند.

https://www.icrc.org/applic/ihl/ihl.nsf/States.xsp?xp_viewStates=XPages_NORMStatesParties&xp_treatySelected=280
Protocol for the Prohibition of the Use in War of Asphyxiating, Poisonous or other Gases, and of Bacteriological Methods of Warfare.

با این حال، این تنها راه جبرات خسارت ناشی از نقض معاهدات حقوق بشردوستانه نیست. بسیاری از حقوق‌دانان بر این عقیده هستند که معاهدات حقوق بشردوستانه، حق‌هایی با ماهیت دوگانه اعطا می‌نمایند. این حق‌ها، هم نسبت به افراد حمایت‌شده و هم نسبت به دولتی که آن‌ها تابع آن هستند، تضمین می‌شود (قربان‌نیا، ۱۳۹۰: ۳۱۶-۳۱۵). در نتیجه نه تنها دولت متبوع قربانیان، بلکه خود قربانیان نیز جهت پیگیری حقوق خود می‌توانند اقدام نمایند و از طریق مراجع ملی پیگیر جبران حقوق از دست‌رفته خود شوند. پس اگر دولت متبوع آن‌ها در حمایت از اتباع خود کوتاهی کند، قربانیان می‌توانند از طریق محاکم ملی دولت‌های ثالث جهت جبران این حقوق قدم بردارند. نکته مهم‌تر اینکه کاربرد سلاح‌های شیمیایی علیه نظامیان و غیرنظامیان، مصداق جنایات جنگی است. در نتیجه نه تنها بحث مسئولیت حقوقی دولت، بلکه مهم‌تر از آن، بحث مسئولیت کیفری عاملان این جنایات نیز مطرح است.

با وجود راه‌های مختلف جهت جبران خسارت از قربانیان نقض حقوق بشردوستانه، مسئله اصلی این است که با وجود گذشت زمان به نسبت طولانی از پایان یافتن جنگ عراق با ایران، اصلاً متهمان به استفاده از سلاح‌های شیمیایی طی این جنگ و جبران خسارت از قربانیان استفاده از این سلاح‌ها مجازات نشدند. گذشت زمان می‌تواند در نهایت در قالب اصل مرور زمان، قربانیان را از رسیدن به حقوقشان محروم کند.

اصل مرور زمان در کل، عبارت است از گذشت مدتی که بعد از آن، حق اقامه دعوا از مدعی ساقط می‌شود. اما بسته به ماهیت دعوا، ماهیت مرور زمان نیز متفاوت می‌شود. مرور زمان، هم در دعاوی کیفری و هم در دعاوی حقوقی قابل طرح است. در هر دو دسته دعاوی، تعریف، مبانی و آثار آن متفاوت است.

با توجه به اینکه کاربرد سلاح‌های شیمیایی طی مخاصمات بین‌المللی تحت عنوان جنایات جنگی شناخته می‌شود، در ابتدای امر، مرور زمان کیفری در دعاوی مربوط به استفاده از این سلاح‌ها مطرح می‌شود. مرور زمان کیفری عبارت است از گذشتن مدتی که بعد از آن، تعقیب جرم یا اجرای حکم قطعی کیفری موقوف می‌شود. به عبارت دیگر، هرگاه رسیدگی به جرم یا اجرای حکم قطعی کیفری مدت معینی به تعویق افتد، دیگر به آن جرم رسیدگی نمی‌شود یا حکم قطعی در آن خصوص اجرا نمی‌شود. در این صورت می‌گویند جرم، مشمول مرور زمان شده است. مرور زمان، یک نوع عفو عملی است که بدون اینکه قانون عفو در مورد این جنایتکاران تصویب شود، گذشت زمان و عدم امکان اقامه دعوا سبب می‌شود که این جنایات، تحت شمول قوانین مرور زمان قرار گیرد و امکان تعقیب این جنایتکاران از بین برود. قوانین مرور زمان، مصوبه دستگاه قانون‌گذاری کشورهاست، اما وقتی که این قوانین، جرائم مهم بین‌المللی را

شامل شود آیا بازهم در صلاحیت داخلی صرف دولت‌هاست و امکان مداخله حقوق بین‌الملل در این زمینه وجود ندارد؟ آیا این قوانین که جنایات بین‌المللی را شامل می‌شود در کشورهای ثالث و دادگاه‌های بین‌المللی معتبر است؟ با توجه به اینکه استفاده از سلاح‌های شیمیایی مصداق جنایت جنگی است، آیا دعوی کیفری تعقیب عاملان کاربرد سلاح‌های شیمیایی در جنگ عراق با ایران مشمول مرور زمان می‌شود؟

استفاده از سلاح‌های شیمیایی، آن‌هم در مخاصمه بین‌المللی، صرفاً منجر به مسئولیت کیفری عاملان این جرائم نمی‌شود بلکه پای مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها در رابطه با یکدیگر و در رابطه با قربانیان هم به میان می‌آید. سؤال این است که آیا در عرصه مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها می‌توان قائل به مرور زمان به‌عنوان عامل سقوط دعوا شد؟ در صورتی که دولت ایران علیه دولت عراق در یک دادگاه بین‌المللی مانند دیوان بین‌المللی دادگستری دعوی مسئولیت بین‌المللی اقامه کند، آیا دولت عراق می‌تواند در دفاع از خود به مرور زمان استناد کند؟ در دعوی جبران خسارتی که قربانیان علیه دولت و عاملان این جرائم نزد دادگاه‌های ملی اقامه می‌کنند، وضعیت چگونه است؟

در این مقاله به بررسی مواضع قانونی و قضایی کشورها و نهادهای بین‌المللی در برخورد با مسئله مرور زمان در صورت شمول آن بر جرائم بین‌المللی پرداخته می‌شود. از این رو حسب دعوی که می‌تواند جهت احقاق حقوق قربانیان کاربرد سلاح‌های شیمیایی جنگ عراق با ایران نزد دادگاه‌های ملی و بین‌المللی اقامه شود، مقاله در دو بخش، ابتدا به مبانی مرور زمان در دعوی حقوقی و کیفری و سپس به اعتبار مرور زمان در دعوی مرتبط با کاربرد سلاح‌های شیمیایی خواهد پرداخت تا در نهایت، وضعیت دعوی قربانیان کاربرد سلاح‌های شیمیایی جنگ عراق با ایران از جهت شمول یا عدم شمول مرور زمان مشخص شود.

۱. مبانی مرور زمان

مرور زمان، مانعی است که در راه اقامه دعوا به دلیل گذشت دوره زمانی از زمان پیدایش علل دعوا به موجب قانون ایجاد می‌شود. دعوی مذکور می‌تواند حسب مورد، کیفری یا حقوقی باشد. به این ترتیب، مرور زمان در دعوی حقوقی یا کیفری قابل طرح است. اما نکته اینجاست که فلسفه وجودی مرور زمان و آثار آن در این دو دست دعوی تا حدود زیادی متفاوت از هم است به طوری که در این راه قانون‌گذار ایران نیز مواضع متفاوتی را در رابطه با پذیرش و عدم پذیرش آن به ترتیب در دعوی کیفری و دعوی حقوقی اتخاذ کرده است. در راستای پاسخگویی به سؤال اصلی تحقیق حاضر لازم است که ابتدا به مبانی مرور زمان در امور حقوقی

و سپس به مرور زمان در امور کیفری پرداخته شود تا با یافتن مبانی بتوان به مسئله مرور زمان دعاوی حقوقی و کیفری قربانیان کاربرد سلاح‌های شیمیایی جنگ عراق با ایران پاسخ داد.

۱-۱. مرور زمان در امور حقوقی

از نظر حقوق دانان، عمده‌ترین مبانی که برای وضع مقررات مرور زمان در دعاوی حقوقی می‌توان بیان کرد، نظم عمومی و اماره اعراض از حق است (شهیدی، ۱۳۷۷: ۲۱۸).

نظم عمومی ایجاب می‌کند که هرگاه صاحب حقی در طول یک مدت معین، به اختیار، حق خود را در تصرف دیگری رها کرده و آن را مطالبه نکند، نتواند پس از آن مدت، دستگاه قضایی را وادار به رسیدگی به دعوی خود در مورد آن حق و اجبار دیگری به استرداد آن کند زیرا علاوه بر آنکه رسیدگی به دعاوی‌ای که منشأ آن مربوط به زمان‌های بسیار گذشته است، سبب تراکم بیش از حد دعاوی و ایجاد اختلال در نظام قضایی خواهد شد، از جهت کیفی نیز تشکیلات قضایی کشور را در رسیدگی به دلایل قدیمی و کهنه که غالباً گذشت زمان، پرده ابهام و تاریکی بر آن می‌کشد، سخت گرفتار می‌کند. به علاوه لزوم آرامش و ثبات اجتماعی اجازه نمی‌دهد که اشخاص نسبت به حقوقی که در تصرف دارند برای همیشه در تردید و تزلزل به سر بزنند و نتوانند با اطمینان در جهت حفظ و بهره‌برداری از متصرفات خویش سرمایه‌گذاری و سایر اقدامات لازم را به عمل آورند یا خود و نسل‌های بعدی برای ابد، ملزم به نگهداری دلایلی باشند که مثبت حقوقشان یا نافی استحقاق دیگران است. نظم عمومی را می‌توان مهم‌ترین مبانی وضع مقررات مرور زمان در نظام‌های حقوقی معاصر دانست (شهیدی، ۱۳۷۷: ۲۱۸).

اماره اعراض از حق هم به‌عنوان یکی از مبانی مقررات مرور زمان معرفی شده است. شخصی که در طول یک مدت با فراهم‌بودن امکانات در مقام مطالبه حقوق خویش بر نمی‌آید، معمولاً باید از آن حق اعراض کرده باشد و چون اعراض، ایقاعی است که به‌طور لازم موجب سقوط تعهد و حق می‌شود، صاحب حق نمی‌تواند پس از گذشتن مدت مقرر، متعهد را ملزم به انجام تعهد کند (شهیدی، ۱۳۷۷: ۲۱۹-۲۱۸). بنابراین دستگاه قضایی، قادر و حاضر نیست که برای همیشه منتظر اقامه دعاوی افراد بماند. لذا وضع مدت مشخص جهت اقامه دعاوی افراد از زمان پیدایش علت دعوا، لازم به نظر می‌رسد.

مرور زمان در امور حقوقی در باب یازدهم قانون آیین دادرسی مدنی ۱۳۱۸ پذیرفته شده بود. به‌موجب ماده ۷۳۱ این قانون: «مرور زمان عبارت از گذشتن مدتی است که به‌موجب قانون، پس از انقضاء آن مدت، دعوا شنیده نمی‌شود». با در نظر گرفتن تعریفی که ماده ۷۳۱ قانون آیین دادرسی مدنی ۱۳۱۸ از مرور زمان به عمل آورده و با عنایت به سایر مقررات مربوطه نمی‌توان مرور زمان را

مملکت یا مسقط حق و تعهد به حساب آورد، بلکه باید آن را فقط وسیله‌ای در دست خواننده برای اسقاط دعوی خواهان و جلوگیری از استماع آن دانست. به همین جهت در قانون مدنی ایران، برخلاف قانون مدنی فرانسه، ذکری از مرور زمان نیامده و مقررات مربوط به آن فقط در قانون آیین دادرسی مدنی که حاوی مقررات شکلی برای رسیدگی است، انعکاس یافته است. از نظر برخی حقوق‌دانان، بین مرور زمان مملکت و مرور زمان مسقط حق یا تعهد و مرور زمان مسقط دعوا، یک اختلاف اساسی یا بنیانی وجود دارد و آن اینکه مبنا در مرور زمان مسقط حق و تعهد و مرور زمان مملکت، اماره اعراض از حق یا ابراء است، در حالی که مبنا در مرور زمان مسقط دعوا، نظم عمومی است (شهیدی، ۱۳۷۷: ۲۲۰-۲۱۹). با وجود این، با توجه به مواد ۷۲۲ و ۷۲۳ قانون آیین دادرسی مدنی سابق که استناد به مرور زمان را تنها در اختیار اشخاص خصوصی قرار داده است، نظر اخیر تا حدی قابل تأمل به نظر می‌رسد.

با وجود تقسیم‌بندی فوق از مرور زمان حقوقی، آنچه در اینجا مدنظر است مرور زمان مسقط دعواست. به نظر می‌رسد که در این نوع از مرور زمان حقوقی بتوان هر دو مبنا را برای آن قایل شد. اینکه خواهان دعوا با گذشت زمان طولانی از پیدایش علل دعوا به دنبال اقامه دعوا نیست، می‌تواند به طور ضمنی بیانگر اعراض از حقیقت باشد. در عین حال، نظم عمومی نیز ایجاب می‌کند که مهلت معقولی برای اقامه دعوی قایل شد تا از انباشت دعاوی در طول زمان که منجر به اختلال در کارکرد دستگاه قضایی می‌شود، جلوگیری کرد. دلیل دیگر اینکه تأخیر غیرمتعارف در اقامه دعوا، خواننده را در موقعیت ضعیف‌تری برای اثبات عدم تقصیرش قرار می‌دهد.

از این جهت برخی بر این باورند که حق بر مرور زمان، از مؤلفه‌های دادرسی منصفانه مندرج در ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر است. (Memorandum for the Office of the Prosecutor, 2003: 29-30) در واقع، حقی است که در اختیار خوانندگان دعوا قرار می‌گیرد و اشخاص را در برابر دعاوی مربوط به زمان‌های بسیار دور حمایت می‌کند، چرا که این اعتقاد وجود دارد که خواهانی که ادله مناسبی در دست دارد برای اثبات ادعایش قدم برمی‌دارد.

۲-۱. مرور زمان در امور کیفری

درباره مرور زمان در امور کیفری دو نظریه متفاوت وجود دارد. گروهی از علمای حقوق جزا موافق این تأسیس حقوقی بوده، آن را برای حُسن اجرای عدالت کیفری لازم می‌دانند. در مقابل، گروه دیگر که در رأس آنان می‌توان علمای مکتب تحقیقی را نام برد با مرور زمان در امور کیفری موافق نیستند و آن را برای حفظ نظام جامعه، مضر و حتی خطرناک می‌دانند. هر دو گروه برای دفاع از عقیده خود دلایلی دارند (آخوندی، ۱۳۸۲: ۲۵۳). طرفداران مرور زمان

در امور کیفری، نظریه خود را با این دلایل توجیه می‌کنند:

الف) گذشت زمان، خاطرات انسان را ضعیف‌تر و تاریک‌تر می‌کند و حتی ممکن است آن را دستخوش فراموشی کند. خاطره ملال‌انگیز جرم مانند سایر پدیده‌های اجتماعی و تأثرات و تألمات روحی در اثر گذشت زمان به فراموشی سپرده می‌شود. تعقیب متهم، خاطره حزن‌انگیز و فراموش‌شده جرم را دوباره زنده می‌کند و این مخالف مقتضای مصلحت اجتماع است.

ب) فکر تحمل مجازات موجب می‌شود که بزهکار در دورانی که مدت مرور زمان نامیده می‌شود، همیشه و در همه حال با ترس و وحشت به سر برده و آرامش روحی خود را از دست بدهد و این خود نوعی تنبه و مجازات خواهد بود.

ج) اگر ترس از کیفر به درازا کشد می‌تواند موجبات تهذیب اخلاق و رفتار متهم را فراهم کند. او را به فکر و اندیشه وادارد و موجب تنبه‌اش شود.

د) عدم تعقیب و مجازات تبهکار، در مدت زمان طولانی، دلیل ضعف و عدم لیاقت و توانایی سازمان‌های دادگستری است.

ه) بعد از گذشت زمان نسبتاً طولانی، جامعه حق خود را در تعقیب بزهکار از دست می‌دهد زیرا به موقع و در زمانی که لازم و مفید بود، آن را اعمال نکرد (مرور زمان مسقط).

و) بعد از گذشت زمان بالنسبه طولانی، آثار و دلایل جرم از بین می‌رود و جمع‌آوری آن، غیرممکن یا حداقل، مشکل‌تر می‌شود.

مرور زمان در امور کیفری مورد انتقاد شدید عده زیادی از علمای حقوق جزا قرار گرفته است. بنام این تأسیس حقوقی را مخالف قطعیت اجرای مجازات‌ها می‌داند. علمای مکتب تحقیقی آن را برای امنیت جامعه و حقوق افراد، مضر تشخیص می‌دهند (آخوندی، ۱۳۸۲: ۲۵۴-۲۵۳). این مخالفان برای اثبات نظریه خود به شرح زیر استدلال می‌کنند:

الف) هرچند گذشت زمان، اغلب خاطره‌های انسان‌ها را از بین می‌برد، ولی بعضی از خاطره‌ها آن‌چنان در روح و روان اثر می‌گذارند که تا آخرین لحظات زندگی باقی می‌مانند.

ب) ترس از تعقیب و مجازات، یک ضمانت اجرای معنوی است. هنوز میزان تأثیر آن در اصلاح مجرم و چگونگی تنبه بزهکار، از نظر علمی معلوم و مشخص نشده است.

ج) قصور جامعه در تعقیب بزهکار، در مدت معین، دلیل بر این نمی‌شود که مجرم در زمان فراهم شدن امکانات نیز تحت پیگرد قرار نگیرد و همچنان بدون مجازات باقی بماند.

د) قبول مرور زمان نه تنها نفعی برای اجتماع ندارد، بلکه از جهات مختلف، دفاع جامعه را در برابر تبهکاران تضعیف می‌کند و قطعیت اجرای مجازات را از بین می‌برد (آخوندی، ۱۳۸۲: ۲۵۴-۲۵۳).

از نظر بکاریا، قوانین باید مدت زمانی، چه برای دفاع متهم از خود و چه برای ارایه دلایل جرم، تعیین کنند. همچنین وقتی جنایات‌های جان‌گدازی که خاطره آن‌ها تا دیرزمان در اذهان باقی است به اثبات رسید، سزاوار نیست که با فرار بزه‌کار و گریز از کیفر، مشمول مرور زمان شود. ولی جرایم کوچک و ازیادرفته باید به سرنوشت نامعلومی که در انتظار متهم است پایان دهد زیرا هاله تردیدی که رفته‌رفته پیرامون جرم می‌افتد، ارزش عبرت‌انگیز کیفری را که به اجرا در نیامده می‌زداید و به مجرم امکان بهتر شدن را می‌بخشد (بکاریا، ۱۳۶۸: ۷۱).

طبق قوانین کیفری، دولت‌ها در حال حاضر، مرور زمان را برای اعمال مجازات و تعقیب پذیرفته‌اند. برای نمونه، قانون مجازات اسلامی، مصوب ۱۳۹۲ مبحث چهارم از کتاب اول را به مرور زمان اختصاص داده است. قانون‌گذار ایران، مرور زمان کیفری را، هم در رابطه با تعقیب و هم در رابطه با مجازات پذیرفته است. به موجب ماده ۱۰۵ قانون مجازات اسلامی: «مرور زمان در صورتی تعقیب جرایم موجب تعزیر را موقوف می‌کند که از تاریخ وقوع جرم تا انقضای مواعد زیر تعقیب نشده یا از تاریخ آخرین اقدام تعقیبی یا تحقیقی تا انقضای این مواعد به صدور حکم قطعی منتهی نشده باشد: الف. جرایم تعزیری درجه یک تا سه با انقضای پانزده سال...؛ درحالی‌که به موجب ماده ۱۰۷ قانون مجازات اسلامی: «مرور زمان، اجرای احکام قطعی تعزیری را موقوف می‌کند و مدت آن از تاریخ قطعیت حکم به قرار زیر است: الف. جرایم تعزیری درجه یک تا سه با انقضای بیست سال...». به این ترتیب، قانون ایران بین مرور زمان تعقیب و مجازات، تفاوت قایل شده است و دوره زمانی طولانی‌تری برای مرور زمان مجازات در نظر گرفته است. البته از نظر قانون‌گذار ایران، تنها تعزیرات، مرور زمان‌بردار است. در بین تعزیرات نیز برخی جرایم به دلیل ماهیتشان مرور زمان‌بردار نیستند. به موجب ماده ۱۰۹ قانون مجازات اسلامی: «جرایم ذیل، مشمول مرور زمان تعقیب، صدور حکم و اجرای مجازات نمی‌شوند: الف. جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی کشور؛ ب. جرایم اقتصادی شامل کلاهبرداری و...؛ ج. جرایم موضوع قانون مبارزه با مواد مخدر». در واقع، قانون‌گذار ایران در راستای تبعیت از اصول و قواعد اسلامی، مجازات‌های اسلامی مانند حدود و قصاص را حتی با وجود گذشت مدت زمان زیاد از ارتکاب جرم، تعطیل‌بردار نمی‌داند.^۱

قوانین کیفری و آیین دادرسی کیفری دولت‌های مختلف، مرور زمان در دعاوی کیفری را به شیوه‌های متفاوتی پذیرفته‌اند. در واقع، در حال حاضر، دلایل حامیان مرور زمان در تمام نظام‌های حقوقی ملی پذیرفته شده است: اینکه برای اقامه دعاوی کیفری نیز باید یک مهلت

۱. قانون‌گذار در رابطه با قاعده منع محاکمه مجدد در بند (ب) مواد ۷ و ۸ قانون مجازات اسلامی نیز از این الگو تبعیت کرده و قاعده منع محاکمه مجدد را صرفاً محدود به تعزیرات کرده است.

قانونی قابل شد به طوری که بعد از این مدت، دیگر چنین دعاوی قابل استماع نیست.

۲. مرور زمان در دعاوی ناشی از کاربرد سلاح‌های شیمیایی جنگ عراق با ایران
اکنون سال ۲۰۱۶ است. جنگ عراق علیه ایران، هشت سال به طول انجامید. این جنگ که در سال ۱۹۸۰ شروع شده بود، در سال ۱۹۸۸ به پایان رسید. در حال حاضر، حدود ۲۸ سال از پایان جنگ عراق با ایران می‌گذرد. اما هنوز اقدام حقوقی مؤثری علیه ناقضین حقوق جنگ صورت نگرفته است. بنابراین این امکان وجود دارد که این ادعا مطرح شود که تخلف‌های دوران جنگ، مشمول مرور زمان شده است. بسته به اینکه این تخلف‌ها کیفری یا حقوقی تلقی شود و بسته به اینکه از چه سازوکار اجرایی برای اقامه دعوا علیه متخلفین استفاده شود، نتیجه متفاوت خواهد شد.

با توجه به ماهیت ممنوعیت کاربرد سلاح‌های شیمیایی به عنوان تخلف از قواعد حقوق بشردوستانه بین‌المللی، اشخاص ذی‌نفع، اعم از دولت و اشخاص خصوصی هستند که قربانی مستقیم استفاده از چنین سلاح‌هایی شده‌اند. ماهیت خاص قواعد حقوق بشردوستانه به گونه‌ای است که در صورت نقض آن، نظام‌های مسئولیت متنوعی اعم از کیفری و حقوقی برای آن پیش‌بینی شده است و به تبع آن، ضمانت اجرایی متفاوتی جهت اجرای عدالت در عرصه ملی و بین‌المللی وجود دارد.

بنابراین همان‌گونه که می‌شود دعاوی متنوعی علیه عاملان حملات شیمیایی در مراجع مختلف مطرح کرد، امکان طرح مرور زمان‌های متنوعی در راه احقاق حقوق قربانیان کاربرد سلاح‌های شیمیایی جنگ عراق با ایران وجود دارد. اولین راه، اقامه دعوی کیفری علیه عاملان این حملات، اعم از مباشران، شرکا و معاونین کاربرد سلاح‌های شیمیایی نزد دادگاه‌های ملی است. دومین راه، اقامه دعاوی حقوقی علیه عاملان حملات شیمیایی، اعم از دولت عراق و اشخاص حقیقی و حقوقی و مباشران و معاونان در ارتکاب این جرایم نزد دادگاه‌های ملی و بین‌المللی است. به تفکیک به مرور زمان در این دو دسته دعاوی پرداخته می‌شود.

۱-۲. مرور زمان در دعاوی کیفری ناشی از کاربرد سلاح‌های شیمیایی جنگ عراق با ایران

با توجه به اینکه برای قربانیان جنایات جنگی، حقی تحت عنوان حق بر عدالت به رسمیت شناخته شده است،^۱ آن‌ها می‌توانند علیه عاملان این جنایات، دعاوی کیفری اقامه کنند تا شاهد

۱. حق بر عدالت از نظر کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل، مستلزم تعهداتی برای دولت‌ها از جمله تعهد به تحقیق از

مجازات آن‌ها باشند. در حال حاضر، امکان اقامه این دعوی کیفری در هیچ محکمه کیفری بین‌المللی وجود ندارد. در نتیجه، تنها راه باقی‌مانده، اقامه دعوی کیفری نزد دادگاه‌های ملی کشورهاست. با توجه به ماهیت جرم کاربرد سلاح‌های شیمیایی به‌عنوان جنایت جنگی، علاوه بر دادگاه‌های دولت محل ارتکاب جرم، برای محاکم ملی سایر کشورها هم امکان اعمال صلاحیت از زاویه سایر معیارهای صلاحیتی موجود مانند صلاحیت شخصی اعم از منفعل و فعال و صلاحیت جهانی وجود دارد. در صورت اقامه دعوی کیفری از سوی قربانیان حملات شیمیایی عراق نزد دادگاه‌های ملی، هریک از این دادگاه‌ها بر اساس قوانین داخلی خود، امکان استناد به‌مرورزمان را بررسی خواهند کرد.

در فرانسه به‌موجب قانون جزایی ۱۹۹۴ اعمال مرور زمان نسبت به تعقیب و مجازات نسل‌کشی و جنایات علیه بشریت منع شده است. رویه قضایی دادگاه‌های کیفری فرانسه در رسیدگی به دعوی مهمی چون پرونده باریبی^۱ و توویه^۲ مواضع قانونی فرانسه در رابطه با اعمال مرور زمان نسبت به جرایم بین‌المللی را تبیین کرد (سبحانی، ۱۳۹۰: ۵۴۰-۵۳۸). قانون فرانسه، اعمال مرور زمان نسبت به جنایات جنگی را پذیرفته و تنها نسل‌کشی و جنایات علیه بشریت را از شمول مرور زمان خارج کرده است (رمضانی قوام‌آبادی، ۱۳۹۲: ۸۸). بنابراین اقامه دعوی کیفری از سوی قربانیان حملات شیمیایی در محاکم کیفری فرانسه می‌تواند به دلیل شمول مرور زمان رد شود.

قانون مجازات ایتالیا در ماده ۱۵۷ خود مقرر می‌دارد که «هیچ مرور زمانی نباید نسبت به جرایم قابل مجازات به حبس ابد اعمال شود» (Wyngaert, Dugard, 2002: 881) بنابراین قانون

تخلف‌های ارتكابی، تعهد به تعقیب عاملان جرایم و در صورت اثبات اتهام، تعهد به مجازات آن‌هاست. اگرچه تصمیم به تعقیب در اختیار دولت است، باید به قربانی هم اجازه داده شود که به‌عنوان مدعی خصوصی در این دعوا مشارکت کند. (Commission of Human Rights, 1997: para. 27)

1. Barbie.

کلوز باریبی در زمان ریاست آژانس جاسوسی گشتاپو مرتکب جرایم بین‌المللی متعددی از جمله جنایات جنگی و جنایات علیه بشریت شده بود، اما تا دهه‌ها بعد از سقوط آلمان نازی محاکمه نشد. با مشخص شدن اختفای وی در فرانسه، محاکمه وی در محاکم این کشور شروع شد. باریبی در دفاع از خود استدلال کرد که تعقیب او مشمول مرور زمان شده است و دیگر نباید تعقیب شود. وکلای مدافع وی معتقد بودند که اگرچه طبق قانون عدالت نظامی فرانسه، جنایاتی مانند شورش، کمک به دشمن، خیانت و جنایات علیه بشریت، مشمول مرور زمان نمی‌شود، اما این قانون در سال ۱۹۶۴ تصویب شده است، درحالی‌که جرایم ارتكابی منتسب به وی، مربوط به زمان قبل از تصویب این قانون می‌شود و این قانون، عطف به ماسبق نمی‌شود. دیوان عالی فرانسه این استدلال را رد کرد و وی به اتهام ارتكاب جنایت علیه بشریت محکوم شد. (Memorandum for the Office of the Prosecutor, 2003: 28-30)

2. Touvier.

در زمان اشغال فرانسه توسط آلمان نازی، وی متهم به صدور دستور اعدام هفت یهودی در سال ۱۹۴۴ بود و محاکم فرانسه به اتهام ارتكاب جنایت جنگی و جنایت علیه بشریت، او را محاکمه و محکوم کردند. (Office of the Prosecutor, 2003: 28-30)

ایتالیا به جای اینکه مثل قانون فرانسه، دسته خاصی از جرایم مثل جنایات علیه بشریت را از شمول مرور زمان خارج کند، میان عدم شمول مرور زمان و میزان مجازات، ارتباط برقرار می‌کند. البته در دستورالعمل حقوق بشردوستانه بین‌المللی ایتالیا، مصوب ۱۹۹۱، به صراحت، جنایات جنگی از شمول مرور زمان خارج شده است. در قضیه پریبکه^۱ در محاکم داخلی ایتالیا به خوبی زوایای بحث اعمال مرور زمان در رابطه با جنایات جنگی تبیین شده است (سبحانی، ۱۳۹۰: ۵۴۱). بنابراین با توجه به مواضع قانونی و قضایی ایتالیا، اقامه دعوی کیفری قربانیان حملات شیمیایی جنگ تحمیلی در محاکم این کشور با ایراد مرور زمان مواجه نخواهد شد.

بلژیک در سال ۱۹۹۳ یک قانون جامع در مورد جنایات جنگی تصویب کرد. در این قانون اعلام شد که جنایات جنگی ارتكابی در مخاصمات مسلحانه بین‌المللی و غیربین‌المللی مشمول مرور زمان نمی‌شود. در سال ۱۹۹۹ قلمرو این قانون به جنایات علیه بشریت و نسل‌کشی نیز تسری یافت که یکی از دلایل توسعه قلمرو این قانون، تطابق با اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری بود. به موجب قانون جرایم بین‌المللی آلمان، مصوب ۲۰۰۲ تعقیب جرایم جدی (نسل‌کشی، جنایات علیه بشریت و جنایات جنگی) متعاقب این قانون و اجرای مجازات در این اتهام‌ها نباید مشمول مرور زمان قرار گیرد. (Wyngaert, Dugard, 2002: 884 - 885)

پارلمان مجارستان در سال ۱۹۹۳ قانونی تصویب کرد که به موجب آن، دادگاه قانون اساسی این کشور اعلام کرد: «... نقض سنگین کنوانسیون‌های ژنو ۱۹۴۹ و تخلف از ماده ۳ مشترک آن‌ها - به عنوان جنایات علیه بشریت - طبق کنوانسیون ۱۹۶۸ مشمول مرور زمان نمی‌شود». طبق نظر دادگاه قانون اساسی مجارستان، این جرایم که دوره مرور زمان آن سپری شده است و مشمول مرور زمان شده است هم از شمول مرور زمان خارج می‌شود. در واقع، دادگاه، به قانون اخیر، اثر عطف به ماسبق اعطا می‌کند. این نهاد در دفاع از این دیدگاه بیان می‌کند که مجارستان، عضو کنوانسیون ۱۹۶۸ در عدم شمول مرور زمان نسبت به جنایات جنگی و جنایات علیه بشریت است و دولت‌ها باید با تصویب قوانین داخلی، ضمانت اجرای مقررات پذیرفته شده بین‌المللی را فراهم آورند. (Ratner. et)

1. Priebke.

وی مأمور سابق آلمان نازی بود که در قتل‌عام اردوگاه اردتاین در رم در ۱۹۴۴ مشارکت داشت. در این قتل‌عام، ۳۳۵ ایتالیایی کشته شدند. با پایان جنگ جهانی دوم، وی به آرژانتین رفت و پنجاه سال در آنجا زندگی کرد. در ۱۹۹۴ بعد از مصاحبه او با خبرنگار شبکه ABC درباره این قتل‌عام، در ایتالیا علیه او به اتهام شرکت در این قتل‌عام اقامه دعوا شد. در قضیه پریبکه، بحث مرور زمان در مراحل مختلف دادرسی مطرح شد. ابتدا در دعوی استرداد او که در آرژانتین اقامه شد، دادگاه بدوی به دلیل شمول مرور زمان، با تقاضای استرداد وی مخالفت کرد اما دادگاه عالی آرژانتین با این استدلال که جنایات جنگی و جنایات علیه بشریت، طبق حقوق بین‌الملل عرفی و قواعد آمره، مرور زمان‌بردار نیست، اجازه استرداد او را صادر کرد. بعد از استرداد، در هنگام محاکمه وی در دادگاه نظامی ایتالیا در ۱۹۹۶ این بار به مرور زمان به عنوان مانع تعقیب و نه مانع استرداد استناد شد. در نهایت، دادگاه ایتالیا اعلام کرد که جنایت جنگی و جنایت علیه بشریت، ویژگی قواعد آمره دارد و مشمول مرور زمان نمی‌شود. (Marchisio, 1998: 350).

به موجب ماده (۴) ۱۷ قانون دیوان عالی کیفری عراق، مصوب ۲۰۰۵ جرایم مقرر در این قانون، از جمله جنایات جنگی نباید مشمول مرور زمان شود.^۱ موضع قانون عراق از این جهت مهم است که برای قربانیان حملات شیمیایی این کشور در دوران صدام حسین، این امکان را فراهم می‌آورد که در حال حاضر در محاکم داخلی این کشور علیه متهمان به این حملات، دعای کیفری اقامه کنند و به موجب مقرر قانونی فوق، دیگر نگرانی از بابت مرور زمان وجود ندارد. در قوانین ایران نیز مرور زمان تنها برای تعزیرات در نظر گرفته شده است. با توجه به ماهیت جنایت جنگی به نظر نمی‌رسد که این جرایم، زیرمجموعه عنوان تعزیرات و در نتیجه، مشمول مرور زمان باشد، گرچه تصویب قانون مجزایی در این رابطه که صراحت بر این امر داشته باشد، ضروری به نظر می‌رسد.

در این راستا معاهدات بین‌المللی نیز به تصویب رسیده است که مهم‌ترین آن، کنوانسیون عدم اعمال مرور زمان نسبت به جنایات جنگی و جنایات علیه بشریت است که در سال ۱۹۴۸ تصویب و در ۱۱ نوامبر ۱۹۷۰ لازم‌الاجرا شد.^۲ ماده ۱ این کنوانسیون مقرر می‌دارد که مرور زمان نسبت به جنایات زیر، صرف‌نظر از تاریخ ارتکاب آن اعمال نمی‌شود.

الف. جنایات جنگی به‌نحوی که در منشور دادگاه نظامی نورنبرگ ۱۹۴۵ بیان شده و در قطعنامه‌های (۱) ۳، ۱۳ فوریه ۱۹۴۶ و (۱) ۹۵، ۱۱ دسامبر ۱۹۴۶ مجمع عمومی ملل متحد تأیید شده است، به‌ویژه نقض‌های فاحش کنوانسیون‌های ژنو ۱۹۴۹ برای حمایت از قربانیان مخاصمات مسلحانه.

ب. جنایات علیه بشریت، اعم از اینکه در زمان جنگ یا صلح ارتکاب یافته باشد، به‌نحوی که در منشور دادگاه نظامی نورنبرگ، مورخ ۸ اوت ۱۹۴۵ بیان شده و به موجب قطعنامه‌های (۱) ۳، ۱۳

1. Practice Relating to Rule 160. Statutes of Limitation.

2. Convention on the Non-Applicability of Statutory limitations to War Crimes and Crimes against Humanity, (1968). https://treaties.un.org/pages/ViewDetails.aspx?src=TREATY&mtdsg_no=IV-6&chapter=4&lang=en

اکنون پنجاه و پنج دولت، عضو این کنوانسیون هستند اما هیچ‌یک از دولت‌های عراق و ایران این کنوانسیون را نپذیرفته‌اند. البته دولت عراق با تصویب قانون دیوان عالی کیفری عراق، تقریباً تعهدات مشابهی را پذیرفته است که در ادامه مقاله به آن اشاره خواهد شد. لازم به ذکر است که این کنوانسیون در تعریف جنایات جنگی به اسنادی اشاره کرده که در این اسناد نیز صراحتاً به استفاده از سلاح‌های شیمیایی به‌عنوان مصداقی از جنایت جنگی اشاره نشده است. در کنوانسیون‌های ژنو ۱۹۴۹ به استفاده از سلاح‌های شیمیایی به‌عنوان مصداقی از نقض‌های فاحش کنوانسیون اشاره نشده است اما با توجه به معیارهای اعلامی این کنوانسیون، مانند ایراد عامدانه درد و رنج زیاد بر سلامت و جسم افراد در تعریف نقض‌های فاحش می‌توان استفاده از سلاح‌های شیمیایی را مصداقی از این نقض‌ها دانست و در نتیجه، کنوانسیون عدم اعمال مرور زمان نسبت به جنایات جنگی را نسبت به جنایت استفاده از سلاح‌های شیمیایی قابل اعمال دانست.

فوریه ۱۹۴۶ و (۱) ۹۵، ۱۱ دسامبر ۱۹۴۶ مجمع عمومی ملل متحد تأیید شده است، اخراج در نتیجه حمله مسلحانه یا اشغال و اعمال غیربشری ناشی از سیاست تبعیض نژادی و جنایات نسل‌کشی به‌نحوی که در کنوانسیون ۱۹۴۸ منع و سرکوب نسل‌کشی بیان شده، حتی اگر چنین اعمالی تخلف از حقوق داخلی کشوری که جرم در آن اتفاق افتاده است نباشد.

ماده ۲ این کنوانسیون نیز مقرر می‌دارد که «اگر جنایات مندرج در ماده ۱ ارتکاب یابد، مقررات کنوانسیون باید نسبت به مأموران دولتی و اشخاص خصوصی به‌عنوان مباشر یا شریک یا نسبت به کسانی که مستقیماً دیگران را به ارتکاب چنین جنایاتی تحریک کرده‌اند و مأموران دولتی که نسبت به ارتکاب چنین جنایاتی سکوت کرده‌اند، اعمال شود». بنابراین کنوانسیون در اعمال مقررات خود، بین شریک، مباشر یا معاونی که مستقیماً دیگران را تحریک به ارتکاب چنین جنایاتی کرده یا مقام دولتی که نسبت به ارتکاب چنین جنایاتی سکوت کرده، فرقی ندانسته و قاعده عدم شمول مرور زمان در جنایات جنگی و جنایات علیه بشریت را به همه این موارد تسری داده است. (Ratner, 2001: 144)

کنوانسیون اروپایی که شورای اروپا آن را در عدم شمول مرور زمان نسبت به جنایات علیه بشریت و جنایات جنگی در سال ۱۹۷۴ تدوین کرد، از ۲۷ ژوئن ۲۰۰۳ لازم‌الاجرا شد. کنوانسیون مقرر می‌دارد که هیچ مرور زمانی نباید نسبت به تعقیب و مجازات نقض کنوانسیون‌های نسل‌کشی ۱۹۴۸ و نقض‌های فاحش حقوق بشر دوستانه مندرج در کنوانسیون‌های ژنو ۱۹۴۹ اعمال شود.^۱

البته در رابطه با این دو معاهده، یکی از نکاتی که جای بحث و بررسی دارد، نحوه تعریف جنایات جنگی است. هردوی این اسناد در تعریف جنایات جنگی، نگاه ویژه‌ای به نقض‌های فاحش کنوانسیون‌های ژنو ۱۹۴۹ داشته‌اند. اگر قرار بر این باشد که جنایات جنگی، محدود به نقض فاحش این کنوانسیون‌ها باشد، این امکان وجود دارد که استفاده از سلاح‌های شیمیایی، تحت شمول تعریف جنایات جنگی قرار نگیرد. در پاسخ به این نگرانی باید گفت که با توجه به اسناد جدیدتر مثل ماده ۸ اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری در تعریف جنایات جنگی به نظر می‌رسد که اشاره به نقض‌های فاحش، بیشتر از باب تأکید باشد و قصد محدود کردن این تعریف نباشد.^۲ این نظر، مورد

1. European Convention on the Non-Applicability of Statutory Limitation to Crimes against Humanity and War Crimes, (1974).

۲. برخی معتقد به حصری بودن فهرست جنایات جنگی مندرج در اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری هستند. از نظر این عده، با توجه به اینکه استفاده از سلاح‌های شیمیایی به‌عنوان مصداق جنایات جنگی در ماده ۸ اساسنامه دیوان نیامده است، نمی‌توان کاربرد سلاح‌های شیمیایی را مصداق جنایت جنگی تحت صلاحیت دیوان بین‌المللی کیفری دانست. باوجود این، چنین امری نافی عرفی بودن قاعده استفاده از سلاح‌های شیمیایی به‌عنوان جنایت جنگی نیست. (Cryer. et al. 2007: 228-229) درمقابل، برخی معتقدند که گرچه اساسنامه دیوان، صراحتاً استفاده از سلاح‌های شیمیایی را در ماده ۸ خود مصداق جنایت جنگی ندانسته است، اما می‌توان با توجه به معیارهای اعلامی در این ماده، استفاده از این سلاح را مصداق

تأیید ماده (۱۲) (ب) کنوانسیون اروپایی فوق‌الذکر است. بر اساس ماده اخیر، قاعده عدم شمول مرور زمان، هر تخلف قابل قیاس دیگری از قواعد حاکم بر جنگ را که در مواد کنوانسیون‌های ژنو ۱۹۴۹ به آن اشاره نشده، در صورتی که از شدت مشابهی برخوردار باشد در برمی‌گیرد.

مهم‌ترین دلیلی که در رد مرور زمان برای جنایات جنگی ارائه می‌شود این است که ممنوعیت جنایات جنگی، یک قاعده آمره است و به این دلیل مرور زمان بردار نیست. (Marchisio, 1998: 350; Prosecutor v. Frundzija, 1998: 157) در واقع، حامیان مرور زمان در رابطه با جرایمی که از شدت بالایی برخوردار است نیز معتقد به عدم اعمال مرور زمان هستند. حتی اگر هم مرور زمان را در رابطه با این جرایم قابل اعمال بدانند، اعمال آن را منوط به این می‌دانند که برای قربانیان، امکان اقامه دعوا وجود داشته باشد. در صورتی که شرایط اقامه دعوا از سوی قربانیان فراهم نباشد و به دلیلی خارج از اختیار، قربانی قادر به شکایت نباشد، مهلت مرور زمان از تاریخ رفع مانع به حساب می‌آید (سبحانی، ۱۳۹۰: ۵۵۷-۵۵۵).

البته معاهدات، تابع اصل نسبی بودن است. بنابراین لازم‌الاجرا شدن معاهدات فوق‌الذکر به معنای الزام‌آور بودن آن برای همه دولت‌ها نیست. این امر، زمانی محقق می‌شود که قواعد مندرج در کنوانسیون، تبدیل به قواعد عرفی شود. عرفی شدن قواعد مندرج در یک کنوانسیون هم با مراجعه به رویه دولت‌ها اثبات می‌شود. رویه دولت‌ها جهت اثبات قواعد عرفی، اعم از رویه قضایی، اجرایی و قانونی دولت‌هاست که با توجه به قوانین فوق‌الذکر و رویه قضایی مورد اشاره می‌توان در حال حاضر، مدعی عرفی شدن قاعده عدم شمول مرور زمان نسبت به جنایات جنگی بود. در رابطه با اعتبار و جایگاه قواعد بین‌المللی مذکور در نظام‌های داخلی، برخی دولت‌ها قواعد معاهداتی و عرفی را در قوانین داخلی خود درج می‌کنند و برخی دیگر بدون نیاز به چنین اقدامی، مستقیماً این قواعد را در نظام داخلی خود لازم‌الاجرا می‌دانند که هر دو موضع در نظام بین‌المللی تا زمانی که منجر به نقض تعهدات بین‌المللی دولت‌ها نشود، پذیرفتنی است. (Dixon, 1996: 75-78)

با توجه به شرایط مذکور، قربانیان کاربرد سلاح‌های شیمیایی جنگ عراق با ایران می‌توانند بسته به شرایط مقرر در نظام‌های داخلی دولت‌ها در محاکم ملی علیه عاملان این حملات، اقامه دعوی کیفری کنند. با توجه به اسناد و قوانین فوق‌الذکر در این رابطه، تفاوتی بین مباشران، شرکا

جنایت جنگی دانست. به موجب این ماده، کاربرد سلاح‌هایی که باعث ایراد درد و رنج غیر ضروری می‌شود و قابلیت تمایز بین نظامیان و غیرنظامیان را ندارد، جنایت جنگی است. این ماده در عین حال، استفاده از گازهای سمی و خفه‌کننده یا سایر مواد مشابه را مصداق جنایت جنگی دانسته است. از نظر برخی، رابطه بین سلاح شیمیایی و سلاح سمی، عموم و خصوص مطلق است که هر سلاح شیمیایی، نوعی سلاح سمی محسوب می‌شود. لذا با توجه به تصریح اساسنامه به سلاح سمی، به طریق اولی صلاحیت دیوان، شامل سلاح‌های شیمیایی که اخص از سلاح‌های سمی است، می‌شود. (جلالی و مقامی، ۱۳۸۷: ۱۱۷-۱۱۶؛ یکرنگی، ۱۳۹۳: ۲۳۷-۲۲۱)

و معاونین ارتکاب این جنایت نیست، همان‌گونه که دعاوی کیفری در محاکم هلند علیه فرانس فان آنرات اقامه شد. در واقع، اتهام وی، معاونت در ارتکاب جنایت جنگی از بابت ارسال مواد و تجهیزاتی بود که توسط دولت عراق در ساخت سلاح‌های شیمیایی استفاده شد. «خلاصه حکم دادگاه بخش لاهه، بخش جنایی راجع به مصدومین شیمیایی جنگ تحمیلی به تاریخ ۲۳ دسامبر ۲۰۰۵»، ۱۳۸۵: ۲۶۷-۲۳۳. ماده ۱۱۲ قانون مجازات اسلامی نیز اصل وحدت مرور زمان معاونین و شرکا و مباشرین در ارتکاب یک جرم را پذیرفته است.^۱ در نتیجه، امکان اقامه دعاوی کیفری علیه عاملان حملات شیمیایی در جنگ عراق علیه ایران همچنان وجود دارد و مرور زمان نمی‌تواند مانعی در راه اجرای عدالت کیفری باشد.

۲-۲. مرور زمان در دعاوی حقوقی، ناشی از کاربرد سلاح‌های شیمیایی جنگ عراق با ایران

هنگامی که یک جرم بین‌المللی ارتکاب می‌یابد، با وجود آنکه در وهله اول، دعاوی کیفری و تعقیب و مجازات عاملان جرایم به ذهن خطور می‌کند، اما مسلماً ارتکاب این جرم، توأم با ایراد ضرور و زیان به قربانیان است. در نتیجه، دعاوی حقوقی جبران خسارت قربانیان نیز توأم با دعاوی کیفری مطرح می‌شود. در عین حال، کاربرد سلاح‌های شیمیایی از سوی یک دولت علیه دولت دیگر، مصداق نقض تعهدات بین‌المللی دولت‌ها در برابر یکدیگر نیز هست. در نتیجه، دعاوی حقوقی جبران خسارت از سوی دولت زیان‌دیده نیز قابل طرح است. با توجه به گذشت مدت زمان مدید از حملات شیمیایی دولت عراق علیه ایران طی جنگ تحمیلی، امکان طرح دفاع مرور زمان از سوی دولت عراق و متهمان به این جنایت جنگی وجود دارد. بنابراین به تفکیک به بررسی امکان طرح چنین دفاعی در یک دعاوی حقوقی پرداخته می‌شود.

الف. احقاق حقوق قربانیان از طریق اقامه دعاوی دولت ایران علیه دولت عراق

دولت ایران در پیگیری حقوق قربانیان کاربرد سلاح‌های شیمیایی می‌تواند به دو طریق وارد دعاوی بین‌المللی علیه دولت عراق شود. اول اینکه به جهت نقض معاهدات حاکم از جمله پروتکل ژنو ۱۹۲۵ و عرف بین‌المللی ناظر بر مخاصمات مسلحانه بین‌المللی نزد مراجع بین‌المللی از جمله دیوان بین‌المللی دادگستری، خود به‌طور مستقیم، دعوائی علیه دولت عراق اقامه کند. دوم اینکه

۱. ماده ۱۱۲ قانون مجازات اسلامی: «قطع مرور زمان، مطلق است و نسبت به کلیه شرکا و معاونان، اعم از اینکه تعقیب شده یا نشده باشند، اعمال می‌شود هر چند تعقیب فقط درباره یکی از آنها شروع شده باشد. همچنین شروع به اجرای حکم در مورد برخی از شرکا یا معاونان جرم، قاطع مرور زمان نسبت به دیگر محکومان است.»

خود قربانیان به‌طور مستقیم به محاکم داخلی دولت عراق مراجعه کنند و به دلیل استفاده از سلاح‌های شیمیایی توسط دولت عراق، دعوایی بابت خسارات وارده به آن‌ها اقامه کنند. در صورتی که در آنجا نتوانستند به حقوق خود برسند از دولت ایران بخواهند که از آن‌ها در برابر دولت عراق، حمایت دیپلماتیک کند. در واقع، دولت‌ها در اقامه دعوی مسئولیت بین‌المللی علیه دولت متخلف، از دو راه می‌توانند اقدام کنند: اول، اقامه دعوی مسئولیت بین‌المللی مستقیم علیه دولت متخلف در قبال نقض تعهداتی که دولت متخلف در قبال دولت زیان‌دیده داشته است. دوم، اقامه دعوی حمایت دیپلماتیک از اتباع خود در قبال نقض حقوق اتباعشان توسط کشور متخلف.

در رابطه با نقض معاهدات حقوق بشر دوستانه به نظر می‌رسد که در وهله اول با توجه به وجود چنین معاهده بین‌الدولی، راه برای اقامه دعوی مسئولیت توسط دولت ایران علیه دولت عراق فراهم باشد. با توجه به اینکه در حال حاضر دولت پیشین عراق که متهم به استفاده از سلاح‌های شیمیایی علیه دولت و اتباع ایران بود، ساقط شده است و دولت جدیدی در این کشور بر سر کار آمده است و با توجه به روابط حسنه‌ای که اکنون بین دو کشور برقرار است، هنوز راه برای اقامه دعوی جبران خسارت بسته نشده است. به‌هرحال در مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها، اصل بر جانشینی است و دولت جدید، مسئول تخلفات دولت پیشین است.^۱

البته کوتاهی در این زمینه می‌تواند دولت عراق را مستعد استناد به اصل مرور زمان کند. اگرچه تا کنون هیچ دعوی بین‌الدولی به دلیل استناد موفق دولت خواننده به مرور زمان رد نشده است، اما فراهم شدن شرایط استناد به مرور زمان، مانعی برای استناد دولت‌ها به این اصل نیست. اینکه دولت ایران با روی کار آمدن دولت جدید عراق تا کنون هیچ اقدام یا اعتراضی جهت احقاق حقوق قربانیان کاربرد سلاح‌های شیمیایی توسط عراق صورت نداده است، می‌تواند به معنای رضایت ضمنی این دولت و انصراف از حق اقامه دعوا باشد. نگاهی به رویه دیوان بین‌المللی دادگستری در قضایایی مانند قضیه معادن فسفات (دعوی نائورو علیه استرالیا)^۲ می‌تواند مثبت این

۱. برای اطلاع از پیش‌نویس‌های کمیسیون حقوق بین‌الملل در زمینه جانشینی دولت‌ها، ن.ک:

Succession of States, <http://legal.un.org/ilc/texts/texts.shtml>.

۲. در سال ۱۹۸۹ دولت نائورو با یک شرکت انگلیسی جهت بهره‌برداری از معادن فسفات سرزمین نائورو، قراردادی منعقد کرد. در زمانی که این سرزمین تحت قیمومت استرالیا بود، دادخواستی علیه دولت استرالیا نزد دیوان بین‌المللی دادگستری اقامه کرد. دولت نائورو مدعی بود که این قرارداد ناقض ماده ۷۶ منشور حق دولت در حاکمیت بر منابع طبیعی خود و حق تعیین سرنوشت ملت نائورو است. سابقه این قرارداد به دوران قبل از استقلال نائورو برمی‌گشت، درحالی‌که نائورو در سال ۱۹۶۸ به استقلال رسیده بود. به همین دلیل یکی از ایرادهای مقدماتی دولت استرالیا جهت رد دعوی مذکور این بود که این دعوا مشمول مرور زمان شده است. ادعای دولت استرالیا این بود که چون دولت نائورو در مدت زمان معقول و متعارفی بعد از استقلالش این دعوا را اقامه نکرده است، این به معنای اعراض آن دولت از حق اقامه دعواش است. دیوان ضمن تأیید اینکه هرگونه تأخیر غیرموجه خواهان در اقامه دعوا می‌تواند منجر به غیرقابل‌پذیرش شدن دعوا شود، اعلام کرد که در حقوق بین‌الملل، مهلت زمانی خاصی جهت اقامه دعوا تعیین نشده است و این بر عهده دیوان است که در هر مورد با توجه به شرایط حاکم بر پرونده، مهلت زمانی متعارف و معقول را تعیین کند. از نظر دیوان اگرچه دولت نائورو در سال ۱۹۶۹ از

امر باشد که اصل مرور زمان در دعوای حقوقی تحت شرایطی در حقوق بین‌الملل پذیرفتنی است. اگر دولت خواهان باوجود آنکه امکان اقامه دعوا علیه دولت خوانده را داشته، از فرصت‌ها استفاده نکند و پیگیری مستمری در رابطه با حقوق از دست‌رفته‌اش نداشته باشد و در راه اقامه دعوا، تأخیر غیرموجه کند، همه این فراین، حاکی از انصراف وی از پیگیری دعواست.

یکی از مبانی مرور زمان حقوقی، اماره اعراض از حق است. البته به موجب این اماره، در صورتی که صاحب حق با فراهم بودن امکانات جهت احقاق حقوق خود برنیاید، بعد از گذشت مهلتی حق اقامه دعوای وی ساقط می‌شود. باتوجه به اینکه در حقوق بین‌الملل، دادگاه‌های دارای صلاحیت اجباری برای رسیدگی به دعوای بین‌الدولی وجود ندارند، دولت ایران می‌تواند جهت رد دفاع دولت عراق اعلام کند که مهلت احتساب دوره مرور زمان از زمانی است که امکان اقامه دعوا علیه دولت متخلف وجود داشته است. در حال حاضر، هیچ‌یک از دولت‌های ایران و عراق صلاحیت اجباری دادگاه‌های بین‌المللی مانند دیوان بین‌المللی دادگستری را جهت حل اختلافات بین‌المللی نپذیرفته‌اند. در نتیجه، امکان اقامه دعوا علیه دولت عراق در دادگاه‌های بین‌المللی مانند دیوان وجود ندارد؛ در حالی که مهلت احتساب مرور زمان از زمانی است که امکان اقامه دعوا نزد یک مرجع بین‌المللی وجود داشته و باوجود چنین امکانی دولت خواهان، اقدامی جهت احقاق حق خود در این مرجع انجام نداده باشد. این موضوع یکی از دلایلی است که دولت نائورو با استناد به آن توانست دفاع دولت استرالیا در استناد به مرور زمان را رد کند. البته این دولت، اسنادی را ارائه کرد که حاکی از پیگیری مستمر این حق از سوی این دولت در زمان مذاکرات با دولت استرالیا بود.^۱ در حال حاضر که روابط سیاسی بین دولت ایران و عراق، حسنه است باید دید که آیا دولتمردان جمهوری اسلامی ایران، پیگیر حقوق قربانیان سلاح‌های شیمیایی دوران جنگ تحمیلی هستند یا خیر؟ چرا که این پیگیری می‌تواند اماره اعراض از حق را که مبنای مرور زمان مسقط دعوای حقوقی است بی‌اعتبار کند.

ب. احقاق حقوق قربانیان از طریق اقامه دعوای حقوقی قربانیان علیه عاملان کاربرد سلاح‌های شیمیایی

در حال حاضر با به رسمیت شناختن حق بر جبران خسارت در تخلف‌های سنگین حقوق

موضع رسمی دولت استرالیا در رابطه با معادن فسفات آگاه شده، اما اولین اقدام رسمی دولت نائورو علیه دولت استرالیا در ۱۹۸۳ صورت گرفت. باوجود این، دو اقدام رییس جمهور نائورو در این فاصله زمانی در تماس و پیگیری وضعیت معادن فسفات این کشور با مقامات استرالیایی موجب شد که دیوان به این نتیجه برسد که تأخیر غیرموجهی در اقامه این دعوا صورت نگرفته است و دعوا مشمول مرور زمان نشده است. (Case Concerning Certain Phosphate Land in Nauru, 1992: 31, 32, 36)

1. Case Concerning Certain Phosphate Land in Nauru, 1992: 31, 32, 36.

بشری و بشردوستانه دیگر، جای بحثی در رابطه با حق بر جبران خسارت در صورت نقض سنگین حقوق بشردوستانه و ارتکاب جنایات جنگی وجود ندارد.^۱ در هر نظام حقوقی قواعد مسئولیت مدنی، شرایط حاکم بر اقامه دعوی مسئولیت مدنی را مشخص می‌کند. قربانیان کاربرد سلاح‌های شیمیایی نیز از این قاعده مستثنا نیستند. برای این قربانیان، امکان رجوع به محاکم داخلی کشورهای مختلفی وجود دارد. بسته به اینکه آن‌ها به محاکم کدام دولت مراجعه کنند، قواعد حاکم بر مرور زمان حقوقی متفاوت خواهد بود.

با توجه به اینکه واقعه منجر به خسارت، یک تخلف بین‌المللی، آن هم از نوع جرایم بین‌المللی بوده است و درعین حال، این واقعه صرفاً حاصل کار یک دولت نبوده است و اشخاص حقیقی و حقوقی غیرعراقی به دولت عراق جهت دستیابی به سلاح‌های شیمیایی کمک کرده‌اند، می‌توان دعوی کیفری و حقوقی را در محاکم دولت‌های مختلف درگیر علیه اشخاص مختلفی مطرح کرد.

(۱) دعوی حقوقی قربانیان در دادگاه‌های داخلی عراق

با توجه به محدودیت‌هایی که در نظام حقوق بین‌الملل برای اشخاص حقیقی جهت اقامه دعوی علیه دولت‌های متخلف وجود دارد، برای قربانیان، تنها راه، استفاده از همان راهکارهای نظام‌های حقوق داخلی دولت‌های درگیر است. در رابطه با بحث حاضر با توجه به اینکه تخلف ارتكابی توسط دولت پیشین عراق اتفاق افتاده است، برای قربانیان، اولین راه انتخابی، اقامه دعوی حقوقی علیه دولت عراق یا مقامات عراقی دولت پیشین در محاکم داخلی این کشور است.

به موجب ماده (۴) ۱۷ قانون دیوان عالی کیفری عراق، مصوب ۲۰۰۵، جرایم مقرر در این قانون، از جمله جنایات جنگی، نباید مشمول مرور زمان شود. در نتیجه نباید نباید قربانیان از این زاویه نگران رد دعوی‌شان باشند. حال اگر به هر دلیلی در نظام حقوقی دولت عراق، دعوی قربانیان رد شد، دولت ایران می‌تواند در راستای حمایت دیپلماتیک از اتباع خود وارد عمل شود. اقامه دعوی جبران خسارت علیه خود دولت عراق یا مقام‌های عراقی مسئول، این مزیت را دارد که در واقع، دعوی علیه خود مباشر جرم اقامه شده است. به‌طور مسلم، میزان غرامتی که مباشر در صورت احراز مسئولیت به آن محکوم خواهد شد، در مقایسه با میزان غرامتی که علیه معاونین مورد حکم قرار خواهد گرفت، بسیار بیشتر خواهد بود.^۲

۱. اولین سند بین‌المللی که به‌طور خاص به حق بر جبران خسارت قربانیان پرداخته است، «اصول بنیادین و دستورالعمل حق بر جبران خسارت و دریافت غرامت قربانیان تخلف‌های سنگین حقوق بشری و حقوق بشردوستانه»، مصوب مجمع عمومی ملل متحد در سال ۲۰۰۵ است.

Basic Principles and Guidelines on the Right to a Remedy and Reparation for Victims of Gross Violations of International Human Rights Law and Serious Violations of International Humanitarian Law, (2005).

۲. حکم به جبران خسارتی که برای قربانیان کاربرد سلاح‌های شیمیایی در دعوی علیه *فان آنرات* به اتهام معاونت در ارتکاب

۲) دعاوی حقوقی قربانیان در دادگاه‌های داخلی ایران

راه دیگری که برای جبران خسارت قربانیان وجود دارد، اقامه دعوا در دادگاه‌های داخلی ایران است. البته در صورتی که دعوا علیه دولت عراق در محاکم داخلی ایران یا کشورهای ثالث اقامه شود، امکان استناد به دفاع مصونیت وجود دارد. در حال حاضر، حقوق بین‌الملل به حدی از توسعه دست نیافته است که دولت متهم به ارتکاب جرایم بین‌المللی را مستثنا از مصونیت بداند.^۱

جنایت جنگی در محاکم کیفری هلند صادر شد، برای هریک از قربانیان معادل ۶۸۰ یورو بود. در حالی که در محاکم حقوق بشری به طور متوسط بابت هر قربانی، به گرامتی بین صد و پنجاه الی دویست هزار دلار، حکم داده می‌شود. (De Greiff, 2006: 456-457)

۱. برای نمونه رجوع شود به کنوانسیون ملل متحد در مصونیت‌های صلاحیتی دولت و اموالش، مصوب ۲۰۰۴ که طبق ماده ۱۴ آن، تنها استثنای به رسمیت شناخته شده برای مصونیت دولت را در رابطه با اموال تجاری و دعاوی مربوط به چنین امری می‌داند. کنوانسیون مذکور هنوز لازم‌الاجرا نشده است.

United Nations Convention on Jurisdictional Immunities of States and Their Property, (2004).

یکی از آرای قضایی معروف در این رابطه در دیوان بین‌المللی دادگستری، دعاوی آلمان علیه ایتالیا است. اختلاف از این قرار بود که دیوان عالی ایتالیا در سال ۲۰۰۸ با تأیید رأی معروف به قضیه فرینی اعلام کرد که دولت متهم به ارتکاب جرایم بین‌المللی، از حق مصونیت قضایی که به موجب حقوق بین‌الملل برای دولت‌ها به رسمیت شناخته شده است برخوردار نیست. آلمان مدعی بود که ایتالیا با اجازه اقامه دعاوی حقوقی علیه دولت آلمان به اشخاص خصوصی نزد محاکم این کشور به جهت جبران خسارات وارده به این اشخاص برای جرایم آلمان نازی طی جنگ جهانی دوم، به مصونیت صلاحیتی دولت آلمان که طبق حقوق بین‌الملل به رسمیت شناخته شده است، احترام نگذاشته است. همچنین دولت ایتالیا با انجام اقدامات اجرایی جهت توقیف اموال دولت آلمان، واقع در ایتالیا در راستای اجرای احکام صادره علیه دولت آلمان در محاکم داخلی یونان، مصونیت این دولت را نقض کرده است. دیوان بین‌المللی دادگستری در رأی سال ۲۰۱۲ اعلام کرد که دولت ایتالیا با احکام محاکم داخلی‌اش، مصونیت قضایی و صلاحیتی دولت آلمان را نقض کرده است. در حقوق بین‌الملل، هیچ استثنایی برای مصونیت دولت‌ها در رابطه با اعمال حاکمیتی به رسمیت شناخته نشده است. اعمالی که نیروهای مسلح یک کشور حتی در خاک کشور دیگر انجام می‌دهند، مصداق عمل حاکمیتی است. همچنین ماهیت آمره قواعد مربوط به جرایم بین‌المللی، منجر به محدود کردن قواعد مربوط به مصونیت دولت‌ها نمی‌شود زیرا این دو دسته قواعد، ناظر بر موضوعات متفاوتی است و اصلاً تعارضی بین آن‌ها ایجاد نمی‌شود.

Jurisdictional Immunities of the State (Germany v. Italy: Greece Intervening), 3 February 2012, Para 62-106.

دولت است. در نتیجه در رابطه با دعاوی علیه دولت عراق در دادگاه‌های داخلی ایران و سایر کشورها قابل استناد است؛ اما این رأی، محدود به مصونیت دولت به عنوان یک شخص حقوقی است و قواعد اعلامی درباره حوزه مصونیت و استثنائات آن، شامل مأموران دولتی عراقی متهم به کاربرد سلاح‌های شیمیایی نمی‌شود. مأموران عالی‌رتبه دولتی در سرزمین دولت‌های خارجی از مصونیت برخوردارند اما ماهیت مصونیت آن‌ها متفاوت از مصونیت دولت است. در رابطه با مصونیت دولت، از تفکیک بین اعمال حاکمیتی و تصدی استفاده می‌شود. در نتیجه نمی‌توان دولت متهم به جنایات جنگی را به دلیل انجام اعمال حاکمیتی در دادگاه‌های دولت خارجی محاکمه کرد. اما در رابطه با مأموران عالی‌رتبه، از تفکیک دیگری در قلمرو مصونیت استفاده می‌شود. مأموران عالی‌رتبه دولتی از مصونیت شخصی و شغلی برخوردارند. مصونیت شخصی که فقط مختص مأموران عالی‌رتبه دولتی است، آن‌ها را از هرگونه اعمال صلاحیت دادگاه‌های داخلی دولت‌های خارجی در زمان تصدی سمت‌شان مصون می‌دارد و به عبارتی در دوره تصدی سمت، این مصونیت مطلق است، حتی اگر اتهام وارده، جرایم بین‌المللی مانند استفاده از سلاح‌های شیمیایی باشد. اما مصونیت شغلی که تمامی مأموران دولتی در سرزمین دولت خارجی از آن برخوردارند، مطلق نیست و محدود به اعمالی است که در راستای تکالیف شغلی مأمور انجام شده است. مأمور عالی‌رتبه دولتی که با مصونیت شخصی در دوران تصدی سمت، مصون است، با از دست دادن سمت عالی خود ممکن است بابت انجام اعمالی که در راستای تکالیف شغلی‌اش نبوده است در معرض محاکمه در دادگاه‌های داخلی دولت‌های

اما قلمرو مصونیت اشخاص حقیقی حقوق عمومی یعنی مأموران دولتی، متفاوت از مصونیت دولت به عنوان یک شخص حقوقی حقوق عمومی است. در صورتی که مأموران دولتی، متهم به ارتکاب جرائم بین‌المللی شوند، تحت شرایطی امکان استناد به مصونیت را از دست خواهند داد و در نتیجه امکان اقامه دعوا علیه آن‌ها در محاکم داخلی کشورهایی غیر از کشور متبوعشان وجود خواهد داشت. در این صورت، دفاع مرور زمان از طرف متهمان و خواندگان در محاکم داخلی ایران قابل استناد نیست چون در قوانین آیین دادرسی مدنی ایران در حال حاضر مرور زمان حقوقی پیش‌بینی نشده است. ماده ۱۱۳ قانون مجازات اسلامی هم به تمایز مرور زمان کیفری از مرور زمان حقوقی تصریح کرده است.

۳) دعوای حقوقی قربانیان در دادگاه‌های داخلی دولت‌های ثالث

راه دیگری که برای قربانیان کاربرد سلاح‌های شیمیایی وجود دارد، اقامه دعوا علیه عاملان کاربرد مستقیم سلاح‌های شیمیایی دوران جنگ عراق با ایران یا علیه اشخاصی است که در راه تهیه و استفاده از سلاح‌های شیمیایی به دولت پیشین عراق کمک رسانند. به طوری که قبلاً ملاحظه شد، در دادگاه کیفری هلند بابت ارسال تجهیزات و مواد مورد استفاده در تهیه سلاح‌های شیمیایی، دعوایی علیه یک تاجر هلندی اقامه شد. جالب اینجاست که در این دعوا، ایراد مرور زمان صرفاً به این دلیل که متهم به آن استناد نکرد، رد شد.^۱ با وجود این در دعوای آتی که علیه سایر شرکت‌ها یا اشخاص حقیقی به اتهام معاونت یا مشارکت در ارتکاب جنایت جنگی اقامه می‌شود، امکان استناد به مرور زمان به عنوان دفاع وجود دارد.

در صورتی که دعوای اولیه کیفری باشد یعنی با عنوان معاونت یا مشارکت در ارتکاب جنایات جنگی باشد، در حال حاضر می‌توان با قاطعیت از قاعده عرفی بین‌المللی عدم شمول مرور زمان در اتهام جنایات جنگی سخن گفت. اما در صورتی که دعوای حقوقی بابت جبران خسارت مطرح شود، امکان استناد به مرور زمان توسط خواندگان دعوا و پذیرش آن از سوی محاکم کشورها وجود دارد چرا که در دعوای حقوقی برخلاف دعوای کیفری، در جرائم بین‌المللی نمی‌توان به قطعیت از مرور زمان بردار نبودن این دست از دعوای سخن گفت. نظم عمومی به عنوان مهم‌ترین

خارجی باشد. از جمله مهم‌ترین استثنائات، مصونیت شغلی ارتکاب جرایم بین‌المللی است. در نتیجه اگر امکان محاکمه دولت عراق بابت استفاده از سلاح‌های شیمیایی در محاکم داخلی ایران یا سایر کشورها وجود ندارد، امکان محاکمه مأموران عالی‌رتبه دولت پیشین عراق در این محاکم وجود دارد. برای اطلاع بیشتر از شرایط و استثنائات مصونیت مأموران دولتی متهم به ارتکاب جرایم بین‌المللی، ن.ک: سبحانی، ۱۳۸۹: ۵۷-۳۱.

۱. «خلاصه حکم دادگاه بخش لاهه، بخش جنایی راجع به مصدومین شیمیایی جنگ تحمیلی به تاریخ ۲۳ دسامبر ۲۰۰۵»، ۱۳۸۵: ۲۶۷-۲۳۳.

مبنای مرور زمان حقوقی در محاکم محل اقامه دعاوی می‌تواند قربانیان را از جبران خسارت بازدارد. باوجود آنکه در رابطه با جرایم بین‌المللی از جمله جنایت جنگی، ممنوعیت اعمال مرور زمان در اسناد بین‌المللی از جمله ماده ۲۹ اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری و کنوانسیون عدم اعمال مرور زمان نسبت به جنایات علیه بشریت و جنایات جنگی پذیرفته شده است، در رابطه با دعاوی حقوقی ذی‌ربط، چنین صراحتی دیده نمی‌شود. در نتیجه، رویه بین‌المللی در این زمینه با ابهام مواجه است و مشخص نیست که محاکم ملی در این زمینه چگونه برخورد می‌کنند. در حقوق بین‌الملل کیفری، چندان که بایسته و شایسته است به این جنبه از حقوق قربانیان پرداخته نشده است. در اساسنامه‌های محاکم بین‌المللی کیفری هم در این راستا خلأهای عمده‌ای وجود دارد. تنها در اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری به مسئله جبران خسارت از قربانیان پرداخته شده است که با توجه به ماده ۲۹ اساسنامه دیوان، به نظر، دعاوی جبران خسارت قربانیان در دیوان هم مرور زمان بردار نیست اما دیوان بین‌المللی کیفری صلاحیت رسیدگی به دعاوی قربانیان کاربرد سلاح‌های شیمیایی جنگ عراق با ایران را ندارد.

به‌موجب بخش چهارم: «اصول بنیادین و دستورالعمل حق بر جبران خسارت و دریافت غرامت قربانیان تخلف‌های سنگین حقوق بشری و حقوق بشردوستانه» در مرور زمان:

۶. در جایی که در یک معاهده یا سایر تعهدات حقوقی بین‌المللی مقرر شده است، مرور زمان نباید نسبت به تخلف‌های سنگین حقوق بشری و حقوق بشردوستانه که طبق حقوق بین‌الملل، جرم به شمار می‌رود، اعمال شود.

۷. مرور زمان‌های داخلی برای سایر تخلف‌ها که طبق حقوق بین‌الملل جرم نیست، از جمله مرور زمان‌های قابل اعمال نسبت به دعاوی مدنی و سایر آیین‌ها نباید به‌طور غیرموجهی محدود باشد.

گرچه این سند الزام‌آور نیست، می‌تواند راهنمای خوبی در تبیین بحث مرور زمان نسبت به دعاوی حقوقی ناشی از ارتکاب جرائم بین‌المللی باشد. به‌موجب بند ۶ سند فوق در تخلف‌های حقوق بشری و بشردوستانه که یک جرم بین‌المللی به شمار می‌آید، مرور زمان قابل اعمال نیست. با توجه به اینکه این سند در مقام بیان اصول جبران خسارت ناشی از این دست از تخلفات است، به نظر، بند ۶ ناظر بر تمامی دعاوی اعم از حقوقی و کیفری ناشی از جرایم بین‌المللی است. این تفسیر با خواندن بند ۷ سند فوق حمایت می‌شود. در ابتدای بند ۷ نیز ذکر شده است که مرور زمان سایر تخلف‌هایی که جرم بین‌المللی نیست نباید به‌طور غیرمتعارفی محدود باشد. در واقع، بند ۶ ناظر بر جرایم بین‌المللی و بند ۷ ناظر بر سایر تخلف‌های حقوق بشری و بشردوستانه است که جرم بین‌المللی نیست. در این راستا مجموعه اصول حاکم بر

مبارزه با بی‌کیفری نیز در اصل بیست‌وسوم با صراحت بیشتری اعلام می‌دارد: «... مرور زمان نباید علیه دعاوی مدنی یا اداری قربانیانی که برای زیان‌های وارده مطالبه غرامت می‌کنند، مؤثر باشد.»^۱ از اسناد فوق می‌توان این نتیجه را گرفت که دعاوی حقوقی قربانیان کاربرد سلاح‌های شیمیایی جنگ عراق با ایران که مصداق جنایت جنگی است نمی‌تواند مشمول مرور زمان شود. تعیین مرور زمان در قوانین داخلی کشورها برای این دست دعاوی، مغایر قواعد بین‌المللی مندرج در اسناد فوق است.

در این راستا عملکرد دولت استرالیا در نادیده‌گرفتن حق بر جبران خسارت قربانیان تخلف‌های حقوق بشری در این کشور^۲ به دلیل شمول مرور زمان بر آن‌ها از طرف کمیته حذف کلیه اشکال تبعیض، به‌عنوان یک تخلف از حق بر جبران خسارت قربانیان لحاظ شد. در رابطه با قربانیان جنایات جنگی در ژاپن نیز وضعیت مشابهی اتفاق افتاد. دولت ژاپن مدعی بود که جبران خسارت از قربانیان تجاوز سربازان ژاپنی طی جنگ جهانی دوم، مشمول مرور زمان شده است و دولت، تعهدی از این بابت نسبت به قربانیان ندارد. این ادعا با مخالفت و اعتراض کمیته حقوق بشر روبه‌رو شد. (Hessbruegge, 2012: 355)

در بین قوانین ملی دولت‌ها در بحث عدم قابلیت اعمال مرور زمان نسبت به جرایم بین‌المللی، صرفاً در ماده ۱۶۲ قانون جزایی جمهوری آفریقای مرکزی، مصوب ۲۰۱۰ صراحتاً اعلام شده است که: «دعاوی حقوقی و عمومی، همچنین مجازات‌های وضع شده برای نسل‌کشی، جنایات علیه بشریت و جنایات جنگی نباید مشمول مرور زمان قرار گیرند.»
ماده ۷ (سی) قانون آیین دادرسی کیفری عمومی، مصوب ۲۰۱۰ این کشور اعلام می‌دارد: «جرم نسل‌کشی، جنایات جنگی و جنایات علیه بشریت نباید مشمول مرور زمان قرار گیرد.»
به‌موجب ماده ۱۰ این قانون، دعاوی حقوقی نزد دادگاه‌های کیفری نمی‌تواند بعد از انقضای دوره مرور زمان برای تعقیب عمومی پیگیری شود ... باوجود این، عدم اعمال مرور زمان نسبت به جنایات جنگی به‌طور برابری نسبت به تعقیب‌های عمومی و دعاوی حقوقی ناشی از این سه دسته جرایم اعمال می‌شود.^۳

باین حال، در قوانین سایر دولت‌ها در رابطه با دعاوی حقوقی ناشی از جرایم بین‌المللی که

1. Updated Set of Principles for the Protection and Promotion of Human Rights Through Action to Combat Impunity, (2005).

۲. دولت استرالیا طی برنامه‌ای، کودکان یک گروه بومی در این کشور را به‌اجبار به گروه‌های دیگر منتقل می‌کرد. کمیسیون برابری و حقوق بشر این کشور، در گزارشی در سال ۱۹۹۷ این برنامه را نوعی نسل‌کشی تلقی کرد و خواهان تعیبه برنامه جبران خسارت برای قربانیان برنامه انتقال اجباری کودکان شد. دولت استرالیا به دلیل شمول مرور زمان نسبت به این پیشنهاد، آن را اجرا نکرد. (Hessbruegge, 2012: 355).

3. Practice Relating to Rule 160. Statutes of Limitation.

جهت جبران خسارت توسط قربانیان اقامه می‌شود، سکوت شده است. اما در یکی از احکام محاکم داخلی سوئیس در رابطه مرور زمان، اشارات مفیدی به قابلیت اعمال مرور زمان در دعاوی حقوقی ناشی از جرایم بین‌المللی شده است.

در قضیه‌ای معروف به قضیه بهار در ۲۰۰۱ یکی از بازماندگان اردوگاه آشویتز علیه دولت سوئیس اقامه دعاوی جبران خسارت کرد، به این دلیل که در نوامبر ۱۹۴۳ گارد مرزی سوئیس او را به ارتش آلمان مسترد کرده بود. دیوان عالی سوئیس در بخشی از حکمش در رابطه با اینکه آیا حق بر جبران خسارت به موجب مرور زمان منع شده است، به موجب ماده (۱) ۷۵ متمم قانون جزایی سوئیس و ماده ۵۶ متمم قانون کیفری نظامی اعلام کرد که در صورتی که جرم به ویژه با توجه به شرایط، جدی باشد، این مقررات، قابلیت اعمال مرور زمان را نسبت به نسل‌کشی، نقض‌های فاحش کنوانسیون‌های ژنو ۱۹۴۹ یا سایر معاهدات بین‌المللی در حمایت از قربانیان جنگ منع می‌کند. با وجود این، دیوان اعلام کرد که ماده ۷۵ متمم قانون جزایی سوئیس، تنها نسبت به جرایمی قابل اعمال است که در زمان لازم‌الاجرا شدن این قانون مشمول مرور زمان نشده باشد. در رابطه با اتهام ادعایی (مشارکت در نسل‌کشی) دیوان اعلام کرد که اگر استرداد خواهان به مقامات آلمانی مشمول قانون جزای این کشور است، اعمال ذی‌ربط در زمان لازم‌الاجرا شدن ماده ۷۵ متمم قانون جزایی سوئیس در ۱۹۸۳ مشمول مرور زمان شده بود که به همین علت، مدعی نمی‌تواند حقی را از این بابت مطالبه کند.^۱

در واقع از نظر دیوان عالی سوئیس، این اصل پذیرفته نیست که اصول و قواعد مرور زمان در دعاوی کیفری به دعاوی حقوقی نیز تسری داده شود. اما از نظر دیوان، از زمانی که اصل مرور زمان بردار نبودن جرایم بین‌المللی وارد قانون داخلی سوئیس شده است، دعاوی حقوقی ناشی از جرایم بین‌المللی (که در محاکم کیفری اقامه می‌شود) هم طبق قواعد مسئولیت مدنی مرور زمان بردار نیست. (Hessbruegge, 2012: 356) اما قلمرو اجرای این قانون، عطف به ماسبق نمی‌شود. در واقع این قضیه از این جهت که دیوان عالی سوئیس، مرور زمان کیفری و حقوقی را دو امر جدای از یکدیگر دانست، قابل توجه است.

در نظام حقوقی ایران نیز مرور زمان کیفری و حقوقی دو امر جدای از یکدیگر است، به طوری که طبق ماده ۱۱۳ قانون مجازات اسلامی: «موقوف شدن تعقیب، صدور حکم یا اجرای مجازات (در اثر مرور زمان)، مانع از استیفای حقوق مدعی خصوصی نیست و متضرر از جرم می‌تواند دعاوی خصوصی را در مرجع صالح اقامه نماید». در نتیجه، با اینکه قانون ایران، مرور زمان را در تعزیرات پذیرفته است، در دعاوی جبران خسارت ناشی از این تعزیرات، مرور زمان

1. Practice Relating to Rule 160. Statutes of Limitation.

را نپذیرفته است به طوری که مدعی می‌تواند دعوای جبران خسارت ناشی از چنین جرمی را در مراجع حقوقی اقامه کند.

این بحث در قوانین کشورهای کامن‌لا نیز به وجود خواهد آمد. نظام‌های حقوقی کامن‌لا برخلاف نظام‌های حقوقی رومی ژرمنی، مرور زمان را در امور کیفری به سختی و در معدود مواردی پذیرفته‌اند. اما در امور حقوقی مرور زمان را پذیرفته‌اند (رمضانی قوام‌آبادی، ۱۳۹۲: ۷۸). در نتیجه نمی‌توان به راحتی و با استناد به اینکه جرایم بین‌المللی به ویژه جنایت جنگی مشمول مرور زمان نمی‌شود، دعوای حقوقی ناشی از این جرایم را از شمول مرور زمان مستثنا کرد. به نظر می‌رسد که در این موارد، نیاز به نص قانونی جداگانه‌ای است که مرور زمان در دعوای حقوقی ناشی از این جرایم را منع کند. در غیر این صورت، قربانیان جرایم بین‌المللی در دعوای جبران خسارت، خود با مانع مرور زمان مواجه خواهند شد. این نکته از این زاویه اهمیت دارد که در نظام‌های حقوقی کامن‌لا دعوای حقوقی جبران خسارت ناشی از جرم را نمی‌توان ضمن دعوای کیفری و در محاکم کیفری اقامه کرد.

در مقابل در فرانسه و اغلب کشورهای رومی ژرمنی، قربانیان می‌توانند ضمن اقامه دعوای کیفری، به عنوان اشخاص خصوصی، دعوای جبران خسارت را هم در دادگاه کیفری اقامه کنند. دیوان عالی فرانسه اعلام کرده است که مرور زمان بردارنبودن جنایات علیه بشریت به دعوای جبران خسارتی که توسط قربانیان ضمن دادرسی کیفری اقامه می‌شود، تسری می‌یابد. باین حال، این رویه به دعوای جبران خسارت در محاکم حقوقی تسری نمی‌یابد. به این ترتیب به طور مؤثری دعوای علیه شرکت‌ها و دولت از مرور زمان بردارنبودن جرایم بین‌المللی مستثنا می‌شود زیرا اقامه دعوای کیفری علیه دولت و اشخاص حقوقی در محاکم کیفری امکان‌پذیر نیست. در دعوای حقوقی (در محاکم حقوقی) مربوط به شرکت‌هایی که در جنایات علیه بشریت در جنگ جهانی دوم مشارکت داشتند، محاکم فرانسه اعلام کردند که مرور زمان اصولاً قابل اعمال است. (Hessbruegge, 2012: 357)

البته اگر به استدلالی که در پی ماده ۲۹ اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری نهفته است توجه شود می‌توان آن را در رابطه با جنایات جنگی ارتكابی پیشین نیز به کار برد. استفاده از سلاح‌های شیمیایی طی مخاصمات مسلحانه ممنوع بوده است و این ممنوعیت، اخیراً ایجاد نشده است. در واقع در زمان ارتكاب چنین اعمالی از سوی دولت عراق علیه نظامیان و غیرنظامیان ایرانی، ارتكاب چنین عملی ممنوع بوده است و مصداق جنایات جنگی به شمار می‌رفته است. به عبارتی در دوران ارتكاب، این عمل مصداق نقض قاعده آمره بین‌المللی بوده است. ماده ۲۹ اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری و کنوانسیون ممنوعیت اعمال مرور زمان نسبت به جنایات

جنگی و جنایات علیه بشریت هم بر این اساس نسبت به تعقیب و مجازات این جرایم، اعمال مرور زمان را ممنوع دانسته‌اند. حال که بحث دعاوی حقوقی و جبران خسارت از قربانیان چنین جرایمی مطرح می‌شود، به نظر می‌رسد که می‌توان از همین استدلال بهره جست و قربانیان را از حق بر جبران خسارت محروم نکرد. درست است که فلسفه مرور زمان در امور کیفری، متفاوت از امور مدنی و حقوقی است، اما از آنجا که چنین دعاوی حقوقی، ریشه در یک جرم، آن هم از نوع جرایم بین‌المللی دارد، به نظر می‌رسد که می‌توان در این دست دعاوی نیز همان استدلال تدوین‌کنندگان اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری و کنوانسیون عدم اعمال مرور زمان در جنایات علیه بشریت و جنایات جنگی را پذیرفت.

با وجود این در این زمینه، رویه متحدالشکلی در حمایت از این قاعده که دعاوی جبران خسارت برای ارتکاب جرایم بین‌المللی مرور زمان بردار نیست، وجود ندارد. محاکم اغلب دولت‌ها در این زمینه قواعد مرور زمان در قوانین مسئولیت مدنی خود را در رد چنین دعاوی که مدت زمان مدیدی از ارتکاب جرم ذی‌ربط گذشته باشد اعمال می‌کنند. در نتیجه برای قربانیان کاربرد سلاح‌های شیمیایی در جنگ عراق با ایران، این خطر وجود دارد که با گذشت مدت زمان مدید از زمان وقوع جرم، دعاوی جبران خسارتی که در محاکم ملی کشورها اقامه می‌کنند، با ایراد مرور زمان حقوقی مواجه شود.

نتیجه

مرور زمان، مانعی در راه اقامه دعاوی کیفری و حقوقی است. نظام‌های حقوقی ملی با پیش‌بینی مرور زمان در قوانین داخلی خود در صدد تأمین نیازهای مختلفی بوده‌اند. مهم‌ترین دلیل پیش‌بینی مرور زمان، جلوگیری از انباشت دعاوی در نظام قضایی و حفظ حقوق متهمان و خواندگان دعواست. با گذشت زمان، دلایلی که در راه اثبات دعاوی وجود دارد ارزش خود را از دست می‌دهد. در نتیجه اگر کسی مدعی نقض حقوقش است باید هرچه سریع‌تر در مهلت‌های مقرر قانونی جهت احقاق حقوقش اقدام کند. با وجود این، برخی جرایم، آن‌قدر شنیع است که خاطره ارتکاب آن، هیچ‌گاه از ذهن افراد جامعه پاک نمی‌شود. در واقع، گذشت زمان، تأثیری در التیام و فراموشی آلام قربانیان و خانواده‌های آن‌ها ندارد. تنها اجرای عدالت است که می‌تواند مرهمی بر زخم‌های قربانیان باشد. کاربرد گسترده سلاح‌های شیمیایی از سوی دولت پیشین عراق طی جنگ تحمیلی، مصداقی از این جرایم است که در حقوق بین‌الملل کیفری به‌عنوان جنایات جنگی شناخته شده است. با وجود ارتکاب این جرایم در دهه ۹۰ قرن بیستم، هنوز عدالت در حق قربانیان این جرایم اجرا نشده است. در عین حال، گذشت زمان می‌تواند منجر به کمک به عاملان

این جنایات جهت گریز از اجرای عدالت شود. مرور زمانی که در نظام‌های حقوقی ملی پیش‌بینی شده است زنگ خطری برای قربانیان است که دیگر دعاوی آن‌ها در دادگاه‌های داخلی استماع نمی‌شود.

ترس از اعمال مرور زمان نسبت به جرایم بین‌المللی باعث شد که در اسناد بین‌المللی به این امر توجه شود و اجرای عدالت کیفری نسبت به عاملان جرایم بین‌المللی را برای همیشه از شمول مرور زمان خارج کند. از نظر بانیان اسناد مذکور، جرایم بین‌المللی جرایم شدیدی است که نباید مشمول مرور زمان شود. در حال حاضر به‌طور قطع می‌توان گفت که هیچ مرور زمان کیفری نسبت به ارتکاب جرایم بین‌المللی اعمال نمی‌شود. اما خلأ اسناد بین‌المللی، در رابطه با مرور زمان حقوقی دعاوی ناشی از جرایم بین‌المللی است. در صورت ارتکاب جرایم بین‌المللی، تنها راه اجرای عدالت، عدالت کیفری نیست بلکه برای قربانیان، جبران خسارت حقوق از دست‌رفته‌شان بسیار مهم است. یک قربانی کاربرد سلاح شیمیایی، آثار سوء سلاح‌های شیمیایی را تا پایان عمر به همراه خواهد داشت. درمان آثار سوء، هیچ‌گاه به‌طور قطع امکان‌پذیر نیست و وی باید هزینه‌های بالای درمانی را متحمل شود. اگر اعتقاد به ممنوعیت استفاده از چنین سلاح‌هایی به دلیل ایراد درد و رنج بیش از حد وجود دارد و اگر استفاده از چنین سلاح‌هایی مصداق جنایات جنگی است، تنها نباید اجرای عدالت کیفری نسبت به عاملان این جرایم از شمول مرور زمان خارج شود، بلکه باید اجرای عدالت به معنای عام کلمه و جبران خسارت از قربانیان نیز از شمول مرور زمان خارج شود تا ذره‌ای از آلام قربانیان التیام یابد.

منابع

الف) فارسی

کتاب

- آخوندی، محمود. (۱۳۸۲). *آیین دادرسی کیفری*. جلد اول، چاپ دهم، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- بکاریا، سزار. (۱۳۶۸). *رساله جرایم و مجازات‌ها*، ترجمه: محمدعلی اردبیلی، چاپ اول، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- شهیدی، مهدی. (۱۳۷۷). *سقوط تعهدات*، چاپ چهارم، تهران: نشر حقوقدان.
- قربان‌نیا، ناصر. (۱۳۹۰). *حقوق بشر و حقوق بشردوستانه*، چاپ دوم، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

مقاله

- جلالی، محمد و مقامی، امیر. (۱۳۸۷). «تعامل حقوق ایران و حقوق بین‌الملل کیفری در جرم‌انگاری کاربرد سلاح‌های شیمیایی»، *نامه مفید*، شماره ۷۰.
- «خلاصه حکم صادره از دادگاه بخش لاهه، بخش جنایی راجع به مصدومین شیمیایی جنگ تحمیلی به تاریخ ۲۳ دسامبر ۲۰۰۵»، (۱۳۸۵)، *مجله حقوقی*، شماره ۳۴.
- رضائی قوام‌آبادی، محمدحسین. (۱۳۹۲). «نفی مرور زمان در حقوق بین‌الملل کیفری»، *فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی*، دوره ۴۳، شماره ۴.
- سبحانی، مهین. (۱۳۸۹). «تأملی بر مصونیت کیفری مأموران عالی‌رتبه دولتی در جرایم بین‌المللی» *پژوهشنامه حقوق کیفری*، سال اول، شماره ۲.
- سبحانی، مهین. (۱۳۹۰). «مرور زمان: مانعی در راه امحای بی‌کیفری»، *حقوق کیفری بین‌المللی: فرایند، نظریه‌ها و چشم‌اندازها*، زیر نظر: نسرین مهرا، چاپ اول، تهران: بنیاد حقوقی میزان.
- یکرنگی، محمد. (۱۳۹۳). «صلاحیت دیوان کیفری بین‌الملل در زمینه بزه بهره‌وری از سلاح شیمیایی»، *پژوهشنامه حقوق کیفری*، سال پنجم، شماره ۲.

ب) انگلیسی

Books

- Cryer, Robert, et al. (2007), *An Introduction to International Criminal Law and Procedure*, First published, Cambridge: Cambridge University Press.
- Dixon, Martin, (1996), *Textbook on International Law*, 3rd Edition, Oxford:

Oxford University Press.

- Ratner, Steven, et al. (2001), *Accountability for Human Rights Atrocities in International Law: Beyond the Nuremberg Legacy*, First Published, New York: Oxford University Press.

- Memorandum for the Office of the Prosecutor, (2003), *The Relevance of the Eichmann, Barbie and Finta Trials for the ICTR*, Case Western Reserve University School of Law.

Articles

- De Greiff, Pablo, (2006), "Justice and Reparations", De Greiff, Pablo, *Handbook of Reparations*, New York: Oxford University Press.

- Hessbruegge, Jan, (2012), "Justice Delayed, Not Denied: Statutory Limitations and Human Rights Crimes", *Georgetown Journal of International Law*, Vol. 43, No. 4.

- Marchisio, S, (1998), "The Priebke Case before the Italian Military Tribunals: a Reaffirmation of the Principle of Non-Applicability of Statutory Limitation to War Crimes and Crimes against Humanity", *Year book of International Humanitarian Law*, Vol. 1.

- Wyngaert, Christine, Dugard, John, (2002), "Non-Applicability of Statutes of Limitations", Cassese, Antonio. et al. *The Rome Statue of the International Criminal Court: A Commentary*, Oxford: Oxford University Press.

Cases

- Jurisdictional Immunities of the State (Germany v. Italy: Greece intervening), 3 February 2012, <http://www.icj-cij.org/docket/index.php?p1=3&p2=3&k=60&case=143&code=ai&p3=4>

- Case Concerning Certain Phosphate Land in Nauru, (Nauru v. Australia), 26 June 1992, <http://www.icj-cij.org/docket/index.php?p1=3&p2=3&code=naus&case=80&k=e2&p3=0>

- Prosecutor v. Frundzija T.ch. II, Judgment of 10 December 1998, IT – 95 – 17/1 – T, www.icty.org.

Documents

- Basic Principles and Guidelines on the Right to a Remedy and Reparation for Victims of Gross Violations of International Human Rights Law and Serious Violations of International Humanitarian Law, (2005), General Assembly, Sixtieth Session, A/RES/60/147.

- Commission of Human Rights, Sub-Commission on Prevention of Discrimination and Protection of Minorities, The Administration of Justice and the Human Rights of Detainees, Question of the impunity of perpetrators of human rights violations (civil and political), E/CN.4/Sub.2/1997/20.

- Convention on the Non-Applicability of Statutory limitations to War Crimes and Crimes against Humanity, (1968).

- European Convention on the Non-Applicability of Statutory Limitation to Crimes against Humanity and War Crimes, (1974).

- United Nations Convention on Jurisdictional Immunities of States and Their Property, (2004).

- Updated Set of principles for the protection and promotion of human rights through action to combat impunity, (2005), E/CN.4/2005/1002/Add.1, Available at: http://ap.ohchr.org/documents/dpage_e.aspx?m=138.

- Protocol for the Prohibition of the Use of Asphyxiating, Poisonous or Other Gases, and of Bacteriological Methods of Warfare. Geneva, 17 June 1925 https://www.icrc.org/applic/ihl/ihl.nsf/States.xsp?xp_viewStates=XPages_NORMStatesParties&xp_treatySelected=280.

- نگاهی اجمالی به جنگ شیمیایی عراق علیه ایران

<http://www.chemicalvictims.com/DesktopModules/Articles/ArticlesView.aspx?TabID=3961&Site=chemical-victims&Lang=fa-IR&ItemID=3367&mid=12551>.